روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
چهارشنبه | ۸ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ | ۲۷ ژانویه ۲۰۲۱ | سال سیزدهم | شماره ۳۱۳۳ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
| ۱۱۸۲ سال و ۹۴ روز گذشت |

فهرست نهایی فیلم‌های فجر ۳۹ اعلام شد

۱۶ فیلم در سودای سیمرغ

صفحه ۸

نگاهی به مجموعه شعر «پرنده بودم» سروده مهدیه نظری

پرواز ذهن بر بال کلمات

صفحه ۵

سالروز وفات حضرت ام‌البنین(س) مادر گرامی حضرت عباس(ع) را تسلیت می‌گوییم

ذغال!

اسحاق جهانگیری روز یکشنبه مدعی شد عده‌ای چوب لای چرخ دولت گذاشته‌اند و در اظهاراتی توهین‌آمیز خطاب به منتقدان گفت زمستان می‌رود و روسیاهی به شما می‌ماند

دیروز سخنگوی قوه قضائیه گفت مهدی جهانگیری به جرم قاچاق حرفه‌ای ارز به تحمل ۲ سال حبس و به جرم تحصیل مال از طریق نامشروع به تحمل ۲ سال حبس دیگر محکوم شده است

مهدی جهانگیری
قاچاقچی حرفه‌ای
دلار اسحاق جهانگیری

صفحه ۲

تیترهای امروز

حسن روحانی برای چندمین بار مجلس را به نپذیرفتن اصلاحات اساسی بودجه تهدید کرد

تحدید قانون‌گذاری!

صفحه ۳

سخنگوی توانیر در گفت‌وگو با «وطن امروز»: با وجود انتشار جدول خاموشی‌ها، فعلا احتیاجی به قطع برق منازل پیدا نکردیم

تهدید با جدول خاموشی!

صفحه ۴

۳ شهر بیروت، طرابلس و صیدا بامداد سه‌شنبه صحنه اعتراضات به وضعیت اقتصادی و محدودیت‌های ناشی از کرونا بود

اعتراضات لبنان به‌نفع کیست؟

صفحه ۷

وزیر سابق جنگ رژیم صهیونیستی: صدها نفر در اسرائیل بعد از تزریق واکسن کرونا گرفتند!

افشاگری لیبرمن علیه فایزر

صفحه ۷

رایزنی بایدن با مرکل، مکرون و جانسون برای فشار به ایران و مشروط کردن بازگشت آمریکا به برجام

دوسوی آتلانتیک علیه ایران

صفحه ۲

نگاه

۲ اقدام اقتصادی فراموش‌شده کمیسیون تلفیق

حمید کمار: ۸ ماه از آغاز به کار مجلس یازدهم می‌گذرد و طرح‌های مختلفی در این مدت مطرح شده یا به تصویب نمایندگان رسیده است.

نگاهی به طرح‌ها و مصوبات بهارستان نشان می‌دهد اقتصاد اولویت اصلی نمایندگان در این دوره مجلس است. رویکرد کلی مجلس یازدهم در این مدت، اولویت قرار دادن اصلاح ساختارهای اقتصاد در حوزه‌های مختلف نظیر مالیات، بودجه و... بوده است. تصویب قانون مالیات بر خانه‌های خالی، تدوین طرح‌هایی برای تصویب مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر ثروت و اصلاح جدی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، تنها برخی اقدامات مجلس کنونی در ریل‌گذاری اقتصاد در مسیر صحیح است.

با این حال در این مدت مجلس نسبت به اصلاح برخی مسائل بویژه در موضوع اصلاح لایحه بودجه غفلت داشته است. یکی از این مسائل، حذف یارانه ۳ دهک ثروتمند جامعه است. در حالی که مصوبات و طرح‌های مجلس به وضوح از دغدغه کلیت مجلس برای تحقق هر چه بیشتر عدالت در حوزه اقتصادی حکایت می‌کند، بی‌توجهی به حذف یارانه ثروتمندان و کاستن از این هزینه اضافی، عجیب به نظر می‌رسد. در شرایطی که به دلیل اهمال چندین ساله دولت در اصلاح نظام مالیاتی، لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ با کسری ۳۲۰ هزار میلیارد تومان تراز عملیاتی تقدیم مجلس شده، دست و دلبازی مجلس یازدهم در اعطای یارانه به دهک‌های ثروتمند قابل پذیرش نیست.

غفلت دیگر مجلس یازدهم در بررسی و اصلاح لایحه بودجه سال آینده، غفلت از پلکانی کردن رشد حقوق‌ها در سال آینده است. طبق اعلام سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس، این کمیسیون با پیشنهاد دولت برای افزایش ۲۵ درصدی حقوق‌ها در سال آینده موافقت کرده است. موافقت کمیسیون تلفیق با این پیشنهاد در حالی است که به نظر می‌رسید نمایندگان با در نظر گرفتن محدودیت منابع و لزوم توجه به توانمندسازی اقشار کم‌درآمد، رشد حقوق‌ها را به صورت پلکانی تصویب کنند. انتظار این بود کمیسیون تلفیق افزایش حقوق را به صورت پلکانی تصویب می‌کرد تا حقوق افراد با دریافتی کمتر رشد بیشتری داشته باشد و در مقابل حقوق مدیران که دریافتی بالاتری دارند، کمتر افزایش یابد. این اقدام ضمن کنترل هزینه‌های جاری، می‌توانست هدف مجلس در بهبود عدالت اقتصادی را هم محقق کند.

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

از بزرگنمایی فساد تا کوچک‌انگاری تهدید!

یادداشت

علی هدایتی: حکم آقای مهدی جهانگیری، دیروز توسط سخنگوی قوه قضائیه اعلام شد. خوشبختانه رویه برخورد با مفسدان دانه‌درشت که از دوره آیت‌الله آملی لاریجانی در قوه قضائیه مشهود شده بود، در دوره آیت‌الله رئیسی نیز با قوت ادامه یافته است.

با این حال با آنکه اکنون اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی در وضعیت مطلوبی قرار گرفته اما اخیرا شاهدیم در برخی سطوح، جامعه هنگام شنیدن حکم دادگاه برای مجرمان دانه‌درشت، واکنش مثبت و رضایت‌بخشی نشان نمی‌دهد. به عبارتی جامعه در عین حال که به اراده مدیریت قوه قضائیه برای برخورد با مفسدان اعتماد دارد اما در مرحله صدور حکم، این اعتماد تبدیل به انتقاد یا اعتراض می‌شود. دلیلش چیست؟

این تقابل و تزاحم اعتماد و اعتراض همزمان نسبت به دستگاه قضایی به خاطر عدم تطابق برآورد عمومی از مقوله فساد و انتظارات متناسب با این برآورد از دستگاه عدلیه است. یعنی جامعه نسبت به فساد یک فرد یا یک مجموعه، به یک ادراکی می‌رسد و وقت صدور حکم، مجازات در نظر گرفته شده را متناسب با ادراک خود از فساد مزبور نمی‌بیند! در واقع جامعه احساس می‌کند درباره متهم مماشات شده است و حکم عادلانه بسیار بیشتر و سنگین‌تر از آن چیزی است که صادر شده. این صورت‌مساله است و مجهول اصلی، مقوله ادراک‌سازی مختصات فساد در جامعه است.

روایت فساد مهم‌ترین و سرراست‌ترین عاملی است که در این ادراک‌سازی موثر است. اظهارات بی‌اساس و فاقد پشتوانه درباره حجم و ماهیت پرونده‌های قضایی و همین‌طور بزرگنمایی پرونده‌های اتهامی در فضای مجازی، مؤلفه‌های اصلی این روایت دروغین است. وقتی درباره یک پرونده اتهامی، بزرگنمایی می‌شود و اطلاعات دروغین داده می‌شود، آن وقت جامعه منتظر یک مجازات متناسب با این اتهامات مطرح شده است.

یعنی قبل از برگزاری دادگاه قضایی، جامعه بر اساس اطلاعات و روایت‌های غلط به یک قضاوت رسیده است. آنگاه منتظر است همان قضاوت خود و حکم مطلوب خود درباره پرونده مورد نظر را در دادگاه قضایی هم شاهد باشد. اگر اینگونه نشد و حکم صادره قضایی کمتر از حکم پیش‌فرض باشد، آنگاه معترض می‌شود و این را نماد و نمودی از بی‌عدالتی تلقی می‌کند. این یعنی عدالت‌خواهی مبتنی بر دروغ!

خب! طی سال‌های اخیر، مبادی عملیات‌های روانی برای بزرگنمایی فساد کاملا مشخص شده است. متاسفانه بخشی از این مبادی رسانه‌ای بویژه تیم‌های عملیات روانی در فضای مجازی، در درون کشور و شوربختانه پهن شده در اطراف برخی سازمان‌ها هستند.

به بهانه مقوله شریف عدالت‌خواهی، با تحریک هیجانات عمومی بویژه جریان انقلابی، پرونده‌های خیالی فساد می‌سازند و وقتی دستگاه قضایی بر اساس این تخیلات و دروغ‌ها پرونده‌ای تشکیل نمی‌دهد، انگاره «فساد سیستمی» را جا می‌اندازند. درباره برخی پرونده‌های فساد و حجم فساد بزرگنمایی می‌کنند و وقتی قاضی بر اساس متن قانون و نه دروغ‌های تیم‌های مجازی حکم صادر می‌کند، اتهام زد و بندهای پشت‌پرده را چاق می‌کنند! این دستور کار تیم‌های عملیات مجازی، موضوع پوشیده و پنهانی نیست و همین‌طور همه می‌دانیم سر اینها در کدام آخور است. نه فقط در مساله بزرگنمایی فساد و جا انداختن دروغ «فساد سیستمی»، بلکه در سایر مسائل نیز با تکیه بر هیجان، اقدام به مساله‌سازی‌های بی‌مورد و بعضا خطرناک علیه امنیت ملی می‌کنند و خدا می‌داند در این مدت چه آبروها برده‌اند. واقعیت این است که هیچ‌کسی از زهر این مارهای سمی در امان نیست. ببینید طی یکی دو سال گذشته چگونه مراجع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جریان انقلابی را به بهانه‌های مضحک و به بهانه عدالت‌خواهی، مورد هتک و هدم قرار داده‌اند تا اکنون جوانانی را ببینیم که به جای فلان عالم و فلان متخصص دلسوز، حواس‌شان به ترهات فلان کانال تلگرامی یا اکانت توئیتری وابسته به فلان محفل ناسالم است. چشمه تمام‌نشدنی انگیزه جوانان انقلابی اینگونه با تخلیه ناسالم هیجانات، آلوده و به مسیر انحرافی کشانده می‌شود؛ جایی که طی روزهای اخیر شاهدیم با جسارت بیشتری علیه «ارکان نظام» ادراک‌سازی می‌کند!

اینها مایه تأسف و نگرانی است اما تأسف‌انگیزتر از همه این است که کدام قدرتی اراده کرده چند اکانت جعلق در این تیم‌ها و کانون‌های شورشی علیه مبانی انقلاب و ارکان نظام، آزادانه فعال باشند؟ و اکنون کار به جایی رسیده که حرمت‌های مقدس را نیز زیر پا بگذارند؟

برخورد دستگاه قضایی و جمع کردن این بساط آلوده خود یک مطالبه عدالت‌خواهانه است. چرا که از یک سو بساط اتهام‌زنی و هتک حرمت و دروغ جمع می‌شود و از سوی دیگر، قطعا تقویت نظام اسلامی، هدف غایی حکومت را که همان تحقق عدل و قسط است، در مسیر تحقق قرار می‌دهد.

مردودی وزارت ورزش در مدیریت سرخابی‌ها

فروش برای فرار

دیدگاه

مهدی طاهرخانی: بزرگ‌ترین خیانت به اموال عمومی همین است که برای رهایی از آنها، پای‌شان را به گونه‌ای غیرشفاف به جاهایی نظیر بورس و فرابورس باز کنیم. این قصه مدیریت سرخابی‌های پایتخت است و وزارت ورزش و جوانان؛ مجموعه‌ای که وظیفه دارد از این ۲ باشگاه به عنوان «کالایی استراتژیک» که رابطه مستقیمی با چند ده میلیون هوادار دارد، مراقبت و حراست کند اما حالا به فکر رها کردن خویشتن از این مسؤولیت خطیر افتاده است.

در این یادداشت به این واگذاری ۱۰۰ درصد اشتباه و از بیخ و بن غلط کاری نداریم و مقصود اصلی این است که نشان دهیم سوءمدیریت کلان چگونه می‌تواند آینده و حال یک باشگاه بزرگ و مردمی را به ورطه سقوط بکشاند.

طبق قانون و آنچه خانه ملت برای دولت موظف کرده است، استقلال و پرسپولیس به عنوان ۲ تیم دولتی باید از طریق وزارت ورزش و جوانان مدیریت شوند، البته از آنجا که طبق مصوبه همان مجلس، دولت حق ندارد ریالی برای تیم‌های حرفه‌ای هزینه کند، انتخاب مدیران این ۲ باشگاه اهمیتی بسزا پیدا می‌کند. گفته می‌شود وزیر ورزش به عنوان رئیس مجمع هر ۲ باشگاه در طول این چند سال با دقت بسیار زیاد روی انتخاب نفرات خود وسواس داشته است اما حیرت‌آور آنکه این انتخاب‌ها دارای باگ‌های بسیار بزرگی بودند؛ به بزرگی مهدی رسول‌پناه!

شاید عنوان شود چطور هنگام قهرمانی‌های پرسپولیس وقتی عده‌ای با هشتگ «بابا مسعود» سعی بر آن داشتند از نقش وزیر در قهرمانی این تیم بگویند، شما نظر دیگری داشتید. پرداختن به این موضوع ۲بعد کاملا جداگانه دارد؛ شریک کردن وزیر ورزش در موفقیت‌های پرسپولیس به آن معناست که او عامدانه دیگر تیم پایتخت را تضعیف کرد یا از این منظر که او در داوری‌ها دخالت داشت. از هر سمت‌وسویی به این موضوع بپردازیم، به اصل حقیقت نخواهیم رسید. واقعیت یک چیز است؛ وزارت ورزش در انتخاب مدیران سرخابی به هر دلیلی مصالح سیاسی و بعضا شخصی را بر دیگر فاکتورها ارجح دانست و ماحصل این اشتباه بزرگ وضعیت اسفبار مدیریتی این ۲ تیم در طول چند سال گذشته است.

نه قهرمانی‌های متوالی پرسپولیس ارتباطی به درایت وزیر داشت و نه اگر احیانا آبی‌ها عوض رقیب به این جام‌ها دست پیدا می‌کردند، رد پای وزیر در آن هویدا بود. استقلال در طول چند فصل گذشته بیشترین ضربه را از اتفاقات مدیریتی خورد؛ جایی که مدیران این تیم عوض اعتماد به یک کادر فنی در ۲ فصل متوالی، مرتب این تیم را از حیث مربی با تغییرات متوالی مواجه کردند و طبیعتا نمی‌شود انتظار جام از مجموعه‌ای را داشت که ثبات ندارد.

از سوی دیگر همین سناریو در پرسپولیس هم اجرا شد اما تفاوت بزرگ این ۲ تیم در یک شخص بود؛ برانکو. پرسپولیس مرتب تغییر مدیریت می‌داد اما از آنجا که برانکو نتایج درخشانی را با تیمش می‌گرفت، مدیریت بهانه‌ای برای تغییر کادر فنی نداشت. تغییر کادر فنی هم در گام بعدی به تغییر بازیکن می‌رسد و همین یعنی از بین بردن یک سال زمان برای هماهنگی یک تیم. شاید از خوش‌شانسی قرمزها بود که بعد از رفتن برانکو و قبل از جذب کالدرون، مدیریت وقت با همه بازیکنان سابق تمدید کرد. تصور کنید کالدرون تنها ۲ ماه زودتر سرمربی شده بود. او با وجود اینکه لیست تیمش پر بود، در تصمیمی به غایت غلط و اشتباه عذر سروش رفیعی و شایان مصلح را خواست تا بازیکن مدنظر خودش را جذب کند. امروز سروش رفیعی ستاره میانه میدان سپاهان است و پرسپولیس بدون داشتن بازیساز در حسرت از دست دادن بشار رسن. آن روز سروش رفیعی و مصلح را کالدرون بیرون کرد تا عنصر عجیب و غریبی به نام جونیور برزیلی را در خط حمله جذب کند. نتیجه چه شد؟ حیف و میل ۲۵۰ هزار دلار و مهم‌تر از آن سوزاندن ۲ مهره‌ای که در این تیم جا افتاده بودند. پرسپولیس بعد از رفتن برانکو خوش‌شانس بود که تیم بستن را به مربی خارجی جدید که هیچ شناختی از فوتبال ایران ندارد، نسپرد.

با این وجود آنچه مدیریت منتخب وزیر ورزش بر سر پرسپولیس آورد را همگان می‌بینند. مهدی رسول‌پناه تنها به واسطه رابطه سیاسی خارج از مستطیل سبز با وزیر ورزش در یکی از احزاب اصلاح‌طلب، پا به اتاق مدیریت قرمزها گذاشت. او یک تنه عامل جدایی چندین بازیکن موثر شد و از آنجا که یک جنگ پنهان را با یحیی گل‌محمدی آغاز کرده بود، تلاش می‌کرد به هر نحوی مانع موفقیت این مربی شود. ولو با نگرفتن مهره‌های مدنظرش. صحبت‌های کف خیابانی او که منتشر شد، همه واقعیت را نشان داد.

با وجود اینکه در قسمت سوم افشا شده این حرف‌های کف خیابانی، او حرفی کاملا موهن و خارج از ساختار را علیه شادی گل مهدی ترابی به زبان آورد اما وزارت ورزش کماکان با خونسردی تمام چند ماه منتظر شد تا دست آخر با خروج این فرد موافقت کند.

نه اینکه وضع مدیریتی آبی‌ها چندان بهتر باشد اما همین کیس رسول‌پناه نشان داد در زیر گوش وزارت ورزش و مدیریت سرخابی‌ها چه می‌گذرد و چه افراد بی‌لیاقتی ناباورانه و به صرف رانت، خودشان را به ویترین بزرگ سرخابی می‌رسانند و با سوءمدیریت باعث ضربه روحی به چند ده میلیون هوادار این ۲ تیم می‌شوند. وزارت ورزش از مدیریت این ۲ تیم عاجز ماند و دست آخر بهترین راهکار را در فروش آنها دید.

بدون‌شک با توجه به موانع قانونی موجود و ایرادهای بسیار بزرگ، این واگذاری به سرانجام نخواهد رسید اما تاریخ به یاد خواهد داشت چگونه مسعود سلطانی‌فر مردودی این آزمون بزرگ از آب درآمد. شریک کردن او در قهرمانی‌های پرسپولیس، بیشترین ظلم به حقیقت است. او تا جایی که توانست در انتخاب اعضای هیات‌مدیره ۲ تیم اشتباه کرد و دست آخر ناباورانه شریک قهرمانی‌های یکی از آنها شد.